

نقش سردار اسعد در پذیرش اولتیماتوم روسیه و انحلال مجلس دوم

وب سایت آزادمردان بختیاری

HTTP://WWW.AZADMARDAN.COM/NEW/245-SARDAR-ASAD6

تاریخ ایجاد در ۲۱ فروردین ۱۳۹۳
نوشته شده توسط آزادمردان بختیاری

نقد عملکرد سردار اسعد بختیاری (قسمت چهار)

ویلیام مورگان شوستر آمریکایی کارشناس امور مالی به دعوت مجلس دوم شورای ملی و دولت ایران به منظور اصلاح امور مالی استخدام شد و در 12 جمادی الاولی 1329 وارد ایران شد. دولتهای انگلیس و روسیه از این امر خشنود نبودند زیرا به هیچ وجه حاضر نبودند اتباع کشور دیگری در ایران آن هم در منصبی مهم مشغول بکار شود و زمینه ورود قدرت و رقیب جدیدی در ایران که شمالش متعلق به روسیه و جنوبش متعلق به انگلیس بود، فراهم گردد. پس به دنبال بهانه ای بودند تا اسباب اخراج شوستر را از ایران بوجود آورند. مجلس شورای ملی اختیارات زیادی به شوستر داد. وی برای سامان دادن اوضاع مالی و جلوگیری از حیف و میل اقدام به تاسیس خزانه داری کل کرد. در نتیجه دست خوانین بختیاری و سپهدار که در کابینه قبلی به منابع مالی راحت دسترسی داشتند، در حیف و میل اموال کوتاه شد.

پس از مدتی «مورگان شوستر» به ژاندارمها دستور داد تا اموال شجاع السلطنه برادر شاه مخلوع (که برضد مشروطه دست به آشوب زده بود) را به دلیل عدم پرداخت مالیاتهای معوقه، توقیف و مصادره کنند. از طرفی «لکوفر» را بعنوان بازرس مالی خزانه داری به تبریز اعزام کرد. دولت روسیه به شدت مخالفت کرد زیرا شجاع السلطنه را از اتباع خود تلقی کرده و اعزام مامور به تبریز که جزو منطقه نفوذ خود می دانست را مغایر با منافع خود اعلام کرد. لذا با هماهنگی انگلیس به دولت ایران اولتیماتوم داد. در این اوضاع ناصرالملک نایب السلطنه و سپهدار رئیس الوزرا بودند. با افزایش بدبینی مجلس به سپهدار، صمصام السلطنه رئیس الوزرا شد. مجلس بشدت از برنامه های شوستر حمایت می کرد و در مقابل اولتیماتوم روسیه ایستادگی نمود. با وخیم تر شدن اوضاع و به دنبال تهدیدات روسیه، صمصام دستور می دهد ژاندارمها از باغ شجاع السلطنه خارج شده وزیر امور خارجه از دولت روسیه رسماً عذر خواهی کرد. در عوض انتظار می رفت که دولت روسیه قوای نظامی خود را از ایران خارج نماید. اما دولت روسیه اولتیماتوم جدیدی صادر کرده و اعلام داشت شوستر ظرف 48 ساعت باید خاک ایران را ترک کند و بدون موافقت دو دولت روسیه و انگلیس هیچ گونه قراردادی با مستشار خارجی منعقد نکرده. دولت ایران نیز باید غرامت لشگرکشی روسیه به ایران را پرداخت کند. بر خلاف میل نایب السلطنه و کابینه، اکثریت مردم و مجلس با اولتیماتوم روسیه مخالفت کردند. دخالت و فشار دولت روسیه به حدی بالا گرفت که علمای نجف و در راس آنها آخوند خراسانی با اعلام حکم جهاد به همراه عشایر عراق عازم ایران شد. اما به ایران نرسیدند. زیرا آخوند خراسانی در ابتدای راه دارفانی را وداع گفت و برخی معتقدند وی را مسموم و به شهادت رساندن در همین ایام سردار اسعد از سفر اروپا مراجعت می کند و معتقد بود باید اولتیماتوم روسیه را قبول کرد. ورود سردار اسعد به تهران کفه ترازوی نایب السلطنه و هیات وزرا را که طرفدار قبول التیماتوم بودند در مقابل ملت و مجلس سنگین نمود. (ملک زاده، ۱۳۸۳، جلد ۷، ۱۴۷).

با افزایش فشار روسیه، در 26 ذی الحجه 1329 دولت به مجلس پیشنهاد داد:

- ۱- مجلس شورای ملی به دولت اختیار دهد که مساله اختلاف با روسیه را به هر نحو که برای آنها پیشرفت می کند و مقتضای مملکت است تمام کنند.
- ۲- مجلس شورای ملی کمسیون تعیین نمایند که آن کمسیون با هیات وزیران دارای اختیارات لازم بوده و مساله اختلاف با روسیه را به هر نحو که برای آنها پیشرفت می کند و مقتضای مصلحت مملکت باشد تمام نماید.

مواد پیشنهادی مورد قبول مجلس واقع گردید. مجلس يك كميته ي پنج نفری متشکل از: شیخ ابراهیم رنجانی، سعیدالاطباء، سید حسن مدرس، فهیم الملک و سردار اسعد به عنوان رئیس کمیته، انتخاب کرد تا زیر نظر نایب السلطنه و با هماهنگی دولت با روسیه وارد مذاکره شود. سید حسن مدرس مخالف پذیرش اولتیماتوم و چهار نفر دیگر موافق آن بودند. چانه زنی ها و گفتگو ها راه به جایی نبرد و نتیجه نداد.

سردار اسعد اگر چه ابتدا با عزل شوستر مخالف بود ولی بعداً با اشاره انگلیسی ها و به دلیل بی توجهی شوستر به زیاده خواهی خوانین بختیاری تلاش فراوان کرد تا خواسته دولت روسیه تامین گردد. «بارکلی» وزیر مختار انگلیس در تهران طی گزارشی به «گری» وزیر امور خارجه انگلیس نوشت: «روایت یفرم خان، سردار اسعد تپانچه خود را روی شقیقه نایب السلطنه (ناصرالملک)

گذاشت و او را مجبور کرد اولتیماتوم روسها را بپذیرد (امیری ، 1385 : 195)». بختیاری ها در جریان اولتیماتوم روسیه با نشان دادن چراغ سبز به روسها تلاش کردند از این اوضاع به نفع خود و کسب قدرت و موقعیت بهتری استفاده کنند ولی سوءظن روسها تلاش آنها را ناکام گذاشت.

پس از چندی یفرم خان نیز طرفدار پذیرش اولتیماتوم گردید و سرانجام ناصرالملک نایب السلطنه و صمصام السلطنه رئیس الوزرا با حمایت ژاندارم و سواران بختیاری مجلس را منحل و وکلا را متفرق کردند و اولتیماتوم روسها را پذیرفتند. **به قول سید حسن مدرس «مجلس جوان مرگ شد»**. پذیرش اولتیماتوم روسیه یکی از نکات منفی در عملکرد دوران نخست وزیری صمصام السلطنه است. وی تا ژانویه 1913 در سمت نخست وزیری باقی ماند اگرچه قدرت واقعی در دست سردار اسعد بود.

فخرایی در باره پذیرش اولتیماتوم می نویسد: «در مجلس کمیته ای برای بررسی این امر با شرکت نمایندگان سه حزب اعتدال ، دموکرات ، داشناک تشکیل یافت... کمیته رای به عدم قبول التیماتوم و لزوم پایداری در مقابل زور داد. قشون روس از قزوین به حرکت در آمد ، دولت ایران از دولت انگلیس استمداد کرد. وزیر خارجه انگلیس جواب داد هیچ کمکی به ایران نمی تواند بکند و دولت ایران ناگزیر است التیماتوم روسها را بپذیرد. پذیرفتن التیماتوم با وجود رد شدنش از طرف مجلس ، افتضاح آور بود. سرانجام گره کور را به این طریق گشودند که یا از مجلس اختیار تام گرفته بعد از اخذ اختیار ، التیماتوم روسها را بپذیرند و یا با استعفا چند تن از وکلا ، مجلس را عملاً تعطیل کنند و با تعطیل مجلس البته اختیار به دست دولت می افتاد. مجلس اختیار نداد و نمایندگان هم استعفا نکردند، دولت هم حق انحلال مجلس را نداشت. در این وقت حیلۀ ای شرعی به یاد سردمداران سیاست افتاد و آن این بود که گفتند چون دوره مجلس دو سال است و پیش از ظهور این وقایع دوره دوم تقنینیه پایان یافته و این دو ماه که زاید بر دو سال است تمدید کرده اند ، قانونی نیست ، بنابراین مجلس شورای ملی اصولاً منحل و کان لم یکن است (فخرایی ، 1372 : 221)». به دنبال آن نیروهای نظامی به تارو مار نمایندگان پرداختند و مجلس را تعطیل کردند. حکومت نظامی اعلام گردید ، برخی روزنامه ها نیز تعطیل شدند.

این موضوع نیز باعث افزایش بدبینی مشروطه خواهان و مردم به خوانین بختیاری گشت و میان خوانین بختیاری و آزادیخواهان که ضرغام السلطنه نیز به آنان گرایش داشت ، فاصله و اختلاف بیشتری ایجاد کرد. با انحلال مجلس ، مطابق قانون دولت وظیفه داشت ، انتخابات مجلس را برگزار و مجلس شورای ملی را تشکیل دهد. اما بنابه دلایلی ، صمصام تعلل زیادی به خرج داد. «ابراهیم صفایی» در این باره می نویسد: «سردار اسعد با آنکه تمام قدرت حکومت را در اختیار داشت، برای گشودن مجلس سوم اقدامی نکرد زیرا مجلس مخل قدرت و حکومت و سیاست خارجی آنها بود. (صفایی ، ۱۳۶۳ ، ۲۷)

بعد از آن عاملی که باعث تضعیف بختیاری ها گردید جنگ بین سواران بختیاری و نیروی ژاندارمری بود. نیروی ژاندارمری با حمایت انگلیسی ها تاسیس گردید تا بتواند از طریق این نیرو با نیروی قزاق مقابله کند. در دوره نخست وزیری صمصام این طرح پیگیری شد. اما بی نظمی برخی از سواران بختیاری باعث جنگ بین بختیاری ها و نیروی ژاندارمری شده چند نفر از نیروهای ژاندارمری کشته شدند. به دنبال آن، اعتراض و فشار شدید سفارت انگلیس باعث گردید تعداد زیادی از سواران بختیاری از تهران خارج و یا به مناطق بختیاری مراجعت کنند. با نظر انگلیسی ها تنها سیصد سوار در تهران باقی ماند. سردار ظفر عامل این مساله را «قوام السلطنه» معرفی می کند. (سردار ظفر ، ۱۳۵۵ ، مجله وحید ، دوره چهارم ، شماره ۱۹۳)

عارف قزوینی شاعر ملی و معروف دوران مشروطه ، تصنیف معروف خود را به مناسبت همین آیام و در انتقاد از ناصرالملک و در مخالفت با پذیرش اولتیماتوم سرود. به همین خاطر نیز تحت تعقیب قرار گرفت. آن تصنیف مشهور چنین است:

گریه را به مستی بهانه کردم
شکوه ها زدست زمانه کردم
آستین چو از چشم برگرفتم
سیل خون به دامن روانه کردم
همچو چشم مستت ، جهان خراب است
از چه روی ، روی تو در حجاب است
رخ میوش ، کاین دور انتخاب است
من تو را نشانه کردم
دلا خموشی چرا ؟ چو خم نجوشی چرا ؟ برون شد از پرده راز
تو پرده پوشی چرا ؟
شد چو ناصرالملک مملکت دار
خانه ماند و اغیار ، لیس نفس فی الدار
زین سپس حریفان ، خدا نگهدار
من دگر به میخانه خانه کردم
ناله دروغی اثر ندارد

شام ما چو از پی سحر ندارد
گریه تا سحرگه من عاشقانه کردم
دلا خموشی چرا ؟ چو خم نجوشی چرا ؟ برون شد از پرده راز تو پرده پوشی چرا ؟
راز دل همان به ، نهفته ماند
گفتنش چو نتوان ، نگفته ماند
فتنه به که یک چند ، خفته ماند
گنج بر در دل ، خزانه کردم
باغبان چه گویم ، به ما چه ها کرد
کینه های دیرینه بر ملا کرد
دست ما ز دامن گل جدا کرد
تا به شاخ گل ، آشیانه کردم
دلا خموشی چرا ؟ چو خم نجوشی چرا ؟ برون شد از پرده راز تو پرده پوشی چرا ؟
بهتر است مستی ، ز خود پرستی
فارغم ز هستی ، قسم به هستی
مستی است بهتر عارفان ز هستی
تکیه من بر این آستانه کردم
از چه روی ، چون ارغنون ننالم
از جفایت ، ای چرخ دون ننالم
چون نگریم از درد چون ننالم
دزد را چو محرم به خانه کردم
دلا خموشی چرا ؟ چو خم نجوشی چرا ؟ برون شد از پرده راز تو پرده پوشی چرا ؟

عارف قزوینی، 1381 : 326 تا 328

آیا سردار اسعد مشروطه خواه بود؟ : موضوع مرتبط

تاریخ کپی مطلب از وب سایت آزادمردان بختیاری: ۲۱ تیر ۱۳۹۷ (۱۲ جولای ۲۰۱۸، ۲۸ شوال ۱۴۳۹)